

باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی شیراز با رویکرد شناخت و بکارگیری عناصر کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت‌ساز

صادق آهوئی

دانشجوی دکتری، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

یداله احمدی دیسفانی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه هنر و معماری، دانشکده معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

حسین کلانتری خلیل آباد

دانشیار پژوهشکده فرهنگ، دانشکده هنر و معماری، سازمان جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۶ شماره ۶۳-صفحه ۴۳۵-۴۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۴

چکیده

هدف از انجام این تحقیق سامان‌دهی خانه‌های سنتی موجود در بافت تاریخی شهر شیراز با ارایه الگوهای مناسب به دست آمده از ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و کالبدی این بناها به منظور جذب و تداوم حضور مردم در بافت تاریخی و رویکرد بهره‌گیری از عناصر شاخص کالبدی، معماری، فرهنگی و اجتماعی موجود در خانه‌های سنتی شیراز است. روش انجام تحقیق در این پروژه روش ترکیبی بوده بدین صورت که در بخش کیفی به روش کتابخانه‌ای و دلفی و در بخش کمی به کمک ۲ پرسشنامه خبرگان و کارشناسان و پرسشنامه ساکنین و بازدیدکنندگان به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل سه گروه، ساکنان خانه‌های سنتی شیراز، بازدیدکنندگان از خانه‌های سنتی و خبرنگاران و کارشناسان حوزه‌ی معماری و مرمت می‌باشد. حجم نمونه به روش آماری شامل ۳۶ نفر خبرنگاران و ۱۰۸ نفر ساکنان و بازدیدکنندگان بوده‌اند. داده‌های کمی به کمک نرم افزار آماری و روشهای آمار توصیفی و تحلیلی شامل آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، آزمون رتبه‌بندی فریدمن و آزمون t تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد نقش هر یک از شاخص‌ها و زیر شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی در باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول مطلوب می‌باشد.

کلید واژه‌ها: باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی شیراز، عناصر کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت‌ساز

مقدمه

با توجه به تحولات صورت گرفته در قرن اخیر، خانه‌های تاریخی به شدت در معرض تخریب و نابودی قرار دارند، این در حالی است که این خانه‌ها بخش عمده بافت‌های شهرهای تاریخی ایران را تشکیل می‌دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون مطالعات چندانی در مورد این خانه‌ها صورت نگرفته و شناخت جامعی نسبت به آن‌ها وجود ندارد در صورتی که تدبیر در آن‌ها که بر اساس نیازهای انسان ایرانی و محیط ساخت، شکل گرفته‌اند می‌تواند در رسیدن به الگوی مسکن مناسب ایرانیان سودمند باشد (قاسمی سیجانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸). کاربری مسکن به لحاظ کمی، بیش‌ترین درصد بناهای شهری، از جمله؛ بافت تاریخی را به خود اختصاص می‌دهد. اما از نظر کیفی، نوع و چگونگی طراحی معماری مسکن، بر شیوه و کیفیت زندگی اقشار مختلف اجتماعی، تأثیری اساسی و تعیین‌کننده دارد (اکرمی و زارع، ۱۳۹۲: ۵۶).

پس از تحقیقات و مطالعات صورت گرفته توسط نگارنده، شهر تاریخی شیراز به دلیل دارا بودن تعداد قابل توجهی از بناهای باارزش تاریخی که در دوره‌های قاجار و پهلوی اول بنا شده‌اند، به عنوان قلمروی مطالعاتی پژوهش حاضر انتخاب شده است. لازم به ذکر است که محدوده‌ی جغرافیایی مورد مطالعه، بافت قدیم شهر شیراز با مساحت ۳۶۰ هکتار و خانه‌های باارزش موجود در آن می‌باشد. بافت تاریخی شهر شیراز به مساحت تقریبی ۳۶۰ هکتار در قلب شهر جای دارد. این محدوده که ۲/۸ درصد مساحت کل شهر را شامل می‌شود، هسته‌ی اولیه شکل‌گیری شهر شیراز در آن جای دارد و طی دوران‌های مختلف توسعه و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است که حدود آن دروازه‌ها و حصار دور شهر در دوره‌ی زندیه می‌باشد. مهم‌ترین مراکز مذهبی شهر و قسمت عمده‌ای از بناها و مجموعه‌های باارزش تاریخی در این محدوده واقع است. در واقع این منطقه شیراز قدیم می‌باشد که طی فرآیندهای رشد و توسعه شهری و افزایش جمعیت به عنوان زیر مجموعه‌ای از کل شهر درآمده که دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. وجود ۴۰۰ اثر باارزش، ۸ دروازه و ۱۲ مرکز و چندین محور فرهنگی می‌تواند تبلوری از شیوه‌ی زندگی، روابط اجتماعی، آداب و رسوم، باورها، تاریخ و هنر و به طور کلی بیانگر هویت تاریخی و فرهنگی هر دوره باشد.

حفظ و نگهداری و مرمت این آثار و مجموعه‌ها علاوه بر این که حیات دوباره‌ای به این آثار می‌دهد، از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز هویت تاریخی - فرهنگی شهر شیراز را احیا می‌کند. جمعیت ساکن در این منطقه حدود ۷۵۰۰۰ نفر می‌باشد که حدود نیمی از آن‌ها غیربومی هستند. تعداد خانه‌های موجود در بافت تاریخی - فرهنگی شیراز نیز معادل ۱۱۱۴۷ واحد می‌باشد.

بافت قدیم شهر شیراز به مساحت تقریبی ۳۶۰ هکتار در قلب شهر جای دارد. این محدوده که ۲/۸ درصد مساحت کل شهر را شامل می‌شود، هسته‌ی اولیه شکل‌گیری شهر شیراز در آن جای دارد و طی دوران‌های مختلف توسعه و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است که حدود آن دروازه‌ها و حصار دور شهر در دوره‌ی زندیه می‌باشد. پژوهش حاضر درصدد است تا با شناخت ماهیت هویت، به بررسی عناصر شکل‌دهنده‌ی خانه‌های سنتی بپردازد تا به تمهیداتی منجر شود که به حفظ و تداوم حضور این عناصر در بافت‌های تاریخی شهرهای کشورمان کمک کند. در این پژوهش سعی بر آنست تا با شناسایی دقیق و علمی خانه‌های واجد ارزش تاریخی دوره‌ی شهر شیراز و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس میزان ارزش‌های کالبدی، تاریخی، هویتی و معماری موجود در آن‌ها به کمک بررسی و شناخت مولفه‌های هویتی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شناسایی شده و به الگوهای مناسب برای باززنده‌سازی فضاها‌ی مسکونی سنتی دست یافت. برای نیل به این هدف نیاز است تا با تعریف جامعی از هویت، شاخص‌ها و پارامترهای تاثیرگذار در ایجاد حس هویت در ساکنان خانه‌های بافت تاریخی شیراز از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و کالبدی هویت‌ساز جهت بهبود وضعیت کنونی خانه‌های تاریخی موجود در بافت به جذب و حضور دوباره مردم در آن‌ها پرداخته شود. علاوه بر این، نمودهای هویت‌سازی در این فضاها نیز مشخص شود و در نهایت بتوان به این سوال اساسی پاسخ داد که چارچوب‌های قابل اتکایی که طرح باززنده‌سازی با استفاده از آن بتواند هویت بناها را تداوم بخشد، کدام است.

مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی که در رابطه با بافت‌های قدیمی مطرح شده‌اند عبارتند از: انسان - گرایی، فن گرایی، فرهنگ گرایی، اصلاح گرایی، مدرنیسم، پست مدرنیسم، نظریه توسعه پایدار شهری که در جدول ذیل به توضیحاتی در خصوص هر یک از آن‌ها اشاره گردیده است:

مکتب انسان‌گرایی: نظریه‌پردازان مکتب انسان‌گرایی از جمله «کوین لینچ»، «پاتریک گدس»، «لویس مامفورد» و ... طی سال‌های (۱۹۳۲-۱۸۵۴)، توجه به طبیعت و فرهنگ از اصول مهم این اندیشه می‌باشد و انجام بهسازی و نوسازی بر اساس بافت ارگانیک و سلسله مراتب عملکردی شهر قدیم و انطباق مکان و زمان در بنا یا مجموعه‌های شهری با حضور مطالعات برنامه‌ریزی شهری در بهسازی و نوسازی شهر تاکید می‌ورزند (کیانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

مکتب فن‌گرایی: نظریه‌پردازان مکتب فن‌گرایان از جمله اوژن هنار طی سال‌های (۱۹۳۳-۱۸۴۹) توجه به توسعه‌ی حمل و نقل شهری، ایجاد آسمان‌خراش‌ها، کم‌توجهی به بافت قدیم و میراث فرهنگی را مطرح کرده‌اند (کیانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

مکتب فرهنگ‌گرایی: نظریه‌پردازان مکتب فرهنگ‌گرایی از جمله «کامیلوسیت»، «لودوک»، «جان راسکین» و ... طی سال‌های (۱۹۴۰-۱۸۱۸) توجه به میراث فرهنگی و جلوگیری از نابودی تاریخ گذشته را بسیار با اهمیت و ضروری می‌دانند. همچنین توجه به فرهنگ ملی و سنت‌های قدیمی در توسعه شهری و بهسازی و مرمت مو به مو، تکمیل بناها به سبک گذشته و کاربری موزه‌ای و مرمت بافت و بناهای شهری را موجب پابرجایی و زنده ماندن تمدن بشری می‌دانند (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۴۷-۱۶۳)، به طوری که کامیلوسیت در نظریه هویت تاریخی شهرها، هویت شهر را مجموعه‌های تاریخی که تنها در یک بنا خلاصه نمی‌شود، بلکه در کل شهر معنی می‌یابد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۳۹). این مکتب توجه به ارزش‌های فرهنگی کهن را مبنا قرار می‌دهد و مواجهه با مسائل و مشکلات شهری را از طریق تداوم فرهنگی میسر می‌داند و اعتقاد بر آن دارد که شهرها و بافت‌های شهری دارای محدوده مشخص هستند و اصل قلمرو فضایی را مایه عدم سرگشتگی می‌داند. تکیه بر رشد شهر بر اساس اشکال کهن، توجه به ارزش‌های زیبایی‌شناختی شهرهای کهن، به حداقل رسیدن دخل و تصرف در بافت‌های با ارزش، ارزش دادن به کل و بالا بردن میزان جذابیت و آرامش در شهرها از محورهای مورد تاکید این مکتب می‌باشد (شوای، ۱۳۷۵).

مکتب اصلاح‌گرایی: پیروان این نظریه معتقد به این مساله هستند که بهسازی و سامان‌دهی محیط شهری باید از درون این جوامع صورت پذیرد، بنابراین بر اصلاح تنگناها و عوارض نظام اجتماعی موجود بدون نفی کلیت آن تاکید می‌کنند (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۰).

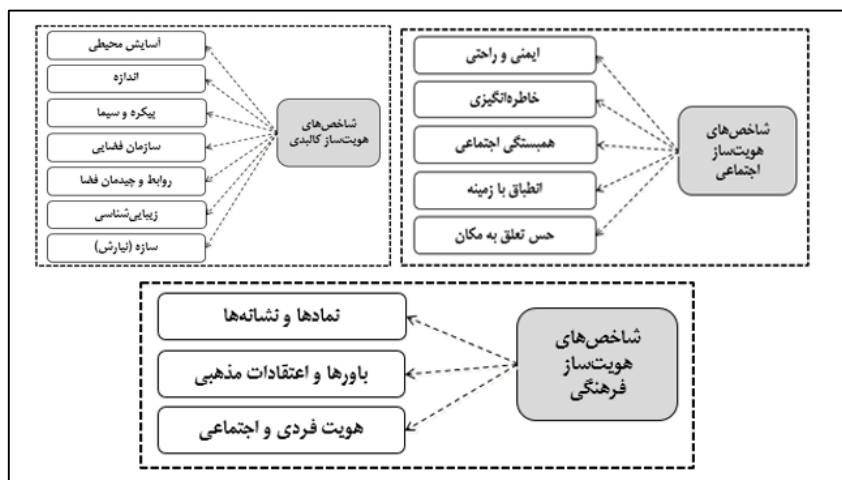
مکتب مدرنیسم اندیشمندان مکتب مدرنیسم از جمله «تونی گارنیه» و «لوکوربوزیه» و ... طی سال-های (۱۹۶۰-۱۹۲۸) کم‌توجهی به تاریخ گذشته، عدم توجه به فرهنگ‌های بومی و اصیل و ارزش‌ها و روابط اجتماعی شهروندان و حذف کامل ساختارهای گذشته و بی‌توجهی به روابط فرهنگی و روحی-روانی شهروندان با استاندارد کردن فضاهای مسکونی توجهی خاص دارند (کیانی و همکاران، ۱۳۸۸:۱۲۳).

مکتب‌پست‌مدرنیسم: اندیشمندان مکتب پست‌مدرن از جمله «چارلز جنکس»، «بوین وراتانسی»، «گرگن» و ... از سال‌های ۱۹۶۰ تاکنون تلفیقی از مداخله نوگرایانه و فرهنگ‌گرایانه که از افراط و تفریط دو نوع مداخله بکاهد، مطرح ساختند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۳:۱۸۳). این مکتب برای بهسازی و نوسازی شهری، حفظ تار و پود بافت کهن در کنار دگرگونی‌های کالبدی فضایی شهر و رشد ارگانیک آن را مدنظر قرار می‌دهد. پست‌مدرنیسم برای بازگشت به مقیاس انسانی، احیای دوباره اجتماعات و اشکال بومی تلاش می‌کند و برخلاف مدرنیسم به سنت‌های بومی و فرهنگ محلی توجه خاص دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۱).

مکتب توسعه پایدار شهری (توسعه درون‌زا): استراتژی توسعه‌ی درون‌زا شرایط جغرافیای بومی، فرهنگ‌های محلی و توأهای محیطی را در اولویت قرار می‌دهد. بر اساس این استراتژی، ضمن توجه به شرایط و امکانات هر شهری نیازهای کنونی و آیندگان مدنظر قرار می‌گیرد و موضوع نگهداری از منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد نکردن ضایعات به منابع تجدیدناپذیر مطرح می‌شود (Blowers, 1994). هم‌چنین این الگو با حفظ محیط‌زیست کل شهر شرایط زیستی مطلوب را در تمام بخش‌های شهری برای همه شهروندان فراهم می‌آورد. برای تحقق این استراتژی لازم است به هنگام تدوین طرح‌های شهر به چند مساله توجه کنیم (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۰):

شاخص‌های هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی
مهم‌ترین شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش؛ شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و کالبدی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر شیراز می‌باشد که بر اساس این شاخص‌ها با استفاده از تکنیک

تحلیل عامل ابتدا به رتبه‌بندی خانه‌ها و تعیین جایگاه آن‌ها پرداخته شده و بر اساس شاخص ترکیبی موريس، وضعیت خانه‌ها مشخص گردیده است. سپس با استفاده از یافته‌ها و نتایج مطالعات بخش-های قبلی مبادرت به تجزیه و تحلیل یافته‌ها، ارائه راهبردها و پیشنهاداتی برای تجدید حیات و سامان‌دهی خانه‌های محدوده‌ی مورد بررسی شده است. شاخص‌های هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های سنتی عبارتند از:



تصویر: ۱ شاخص‌های هویت‌ساز خانه‌های سنتی

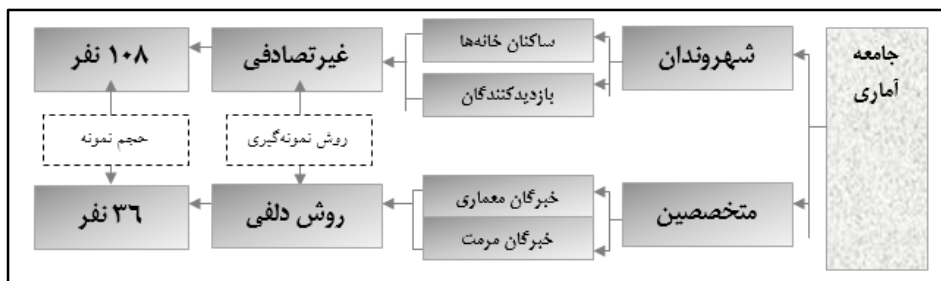
روش پژوهش

روش تحقیق نوشتار حاضر از نقطه نظر هدف، کاربردی و شیوه‌ی مطالعه بر حسب روش و ماهیت، توصیفی - پیمایشی می‌باشد. در حقیقت در روش تحقیق این نوشتار، از دو روش به صورت ترکیبی استفاده شده است؛ به این صورت که در بخش چهارچوب نظری پژوهش، از روش‌های توصیفی هم‌چون ترسیم جداول، نمودارها، دیاگرام‌ها و ... به منظور تحلیل اطلاعات، بهره گرفته شده و در ادامه، جهت ارزیابی و سنجش شاخصه‌های مستخرج از بخش نظری پژوهش، با حضور در سایت پروژه (محلات تاریخی شهر شیراز)، و توزیع پرسشنامه‌هایی مدون میان ساکنان و بازدیدکنندگان خانه‌های مورد مطالعه و همین‌طور متخصصین حوزه‌ی معماری و مرمت، از آن‌ها در خصوص نحوه‌ی باززنده‌سازی و احیای بناها در هر سه بُعد کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، نظرسنجی

صورت پذیرفته است. شایان ذکر می‌باشد که سوالات پرسشنامه شهروندان به گونه‌ای مورد پرسش قرار گرفتند که امکان کمی کردن آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و نتیجه‌گیری از داده‌ها وجود داشته باشد، اما پرسشنامه متخصصین از نوع کیفی می‌باشد، به این صورت که سوالات به صورت تشریحی طرح گردیده تا متخصصان راهکارهای خود را به صورت مکتوب ارائه نمایند. در ادامه پس از پاسخ‌گویی و تکمیل پرسشنامه‌ها از سوی جامعه‌ی شهروندان، داده‌ها و اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها، جهت تجزیه و تحلیل وارد نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS شده تا راه‌حل‌ها و راهکارهای باززنده‌سازی خانه‌های منتخب بر اساس شاخص‌های هویت‌ساز به دست آید. روایی پرسشنامه شهروندان بر اساس نظر متخصصین و اساتید این زمینه و پایایی پرسشنامه نیز از طریق آزمون کرونباخ به دست می‌آید. پاسخ‌های ارائه شده از جانب متخصصان نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و مطلوب‌ترین و منطقی‌ترین راهکارهای ارائه شده از جانب خبرگان در راستای باززنده‌سازی خانه‌های موجود در محدوده‌ی مورد بررسی انتخاب و پیشنهاد گردید. در مجموع می‌توان گفت به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های پژوهش، روش‌های کیفی و کمی به صورت توأمان به کار برده شده است، بدین صورت که برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل محتوا، و جهت آنالیز داده‌های میدانی (پرسشنامه کمی)، از نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS استفاده شده است. اطلاعات خروجی حاصل از تحلیل‌های کیفی و کمی انجام شده، مولفه‌های باززنده‌سازی خانه‌های سنتی را بر اساس شاخص‌های هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، مشخص نموده است.

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی مطالعاتی این تحقیق را سه گروه، اعم از ۱- ساکنان و کاربران خانه‌های سنتی شیراز، ۲- بازدیدکنندگان از خانه‌های سنتی و ۳- خبرگان و کارشناسان حوزه‌ی معماری و مرمت (اساتید معماری و مرمت، کارشناسان مرمت، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری معماری و ..) تشکیل



تصویر ۱ جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه پژوهش

بحث

آماره‌های استنباطی شهروندان

جهت تشخیص نرمال بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه کمی شهروندان از آزمون کلموگروف-اسمیرنف استفاده شده که نتایج حاصل حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرها و در نتیجه پارامتریک بودن داده‌ها می‌باشد

آزمون فریدمن ۱

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه با استفاده از این آزمون نشان می‌دهد که رتبه اهمیت گویه‌های هر یک از متغیرها چگونه بوده است. نتایج آماری حاصل از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در خصوص اولویت‌بندی اثرگذاری شاخص‌های مولفه کالبدی در خانه‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که از دیدگاه شهروندان به ترتیب شاخص‌های سازمان فضایی، آسایش محیطی، روابط و چیدمان فضا، پیکره و سیما، زیبایی‌شناسی، اندازه و مقیاس، و سازه؛ بیشترین و کمترین میزان اثرگذاری را در احیای کالبدی خانه‌های سنتی شیراز دارا می‌باشند. این اولویت‌بندی نشان از اهمیت توجه به شاخص سازمان فضایی با بالاترین میانگین رتبه نسبت به سایر شاخص‌های تعریف شده برای مولفه کالبدی است. طبق نظر شهروندان زیرشاخص‌های شاخص سازمان فضایی نظیر (عرضه‌بندی عملکردی، ارتباط عملکردی، الگوی حجمی، تنوع فضایی، تفکیک و جداسازی

فضایی، درجه‌ی محصوریت فضا، ساختار هندسی) نقش موثرتری در باززنده‌سازی کالبدی خانه‌های تاریخی منتخب شهر شیراز در مقایسه با سایر زیرشاخص‌ها ایفا می‌کنند.

اولویت‌بندی اثرگذاری‌های شاخص‌های مولفه اجتماعی

نتایج آماری حاصل از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در خصوص اولویت‌بندی اثرگذاری شاخص‌های مولفه اجتماعی در خانه‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که از دیدگاه شهروندان به ترتیب شاخص‌های خاطره‌انگیزی، انطباق با زمینه، حس تعلق به مکان، ایمنی و راحتی، همبستگی اجتماعی؛ بیشترین و کمترین میزان اثرگذاری را در احیای کالبدی خانه‌های سنتی شیراز دارا می‌باشند. این اولویت‌بندی نشان از اهمیت توجه به شاخص خاطره‌انگیزی با بالاترین میانگین رتبه نسبت به سایر شاخص‌های تعریف شده برای مولفه اجتماعی است. طبق نظر شهروندان زیرشاخص شاخص خاطره‌انگیزی نظیر (خاطرات و تعلقات)، نقش موثرتری در باززنده‌سازی اجتماعی خانه‌های تاریخی منتخب شیراز در مقایسه با سایر زیرشاخص‌ها ایفا می‌کند.

اولویت‌بندی اثرگذاری‌های شاخص‌های مولفه فرهنگی

نتایج آماری حاصل از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در خصوص اولویت‌بندی اثرگذاری شاخص‌های مولفه فرهنگی در خانه‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که از دیدگاه شهروندان به ترتیب شاخص‌های باورهای مذهبی، هویت فردی و اجتماعی، نمادها و نشانه‌ها؛ بیشترین و کمترین میزان اثرگذاری را در احیای فرهنگی خانه‌های سنتی شیراز دارا می‌باشند. این اولویت‌بندی نشان از اهمیت توجه به شاخص باورهای مذهبی با بالاترین میانگین رتبه نسبت به سایر شاخص‌های تعریف شده برای مولفه فرهنگی است. طبق نظر شهروندان زیرشاخص شاخص باورهای مذهبی نظیر (اعتقاد و باور به ایدئولوژی اسلامی) نقش موثرتری در باززنده‌سازی فرهنگی خانه‌های تاریخی منتخب شهر شیراز در مقایسه با سایر زیرشاخص‌ها ایفا می‌کند.

نتایج حاصل از محاسبه آزمون t تک نمونه‌ای در مورد "شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مولفه کالبدی" بدان معنی است که، نقش همه شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مولفه کالبدی به جز شاخص سازه در احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول مطلوب می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای در مورد "شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مولفه اجتماعی" بدین معنی است که، نقش هر یک از شاخص‌ها و زیر شاخص‌های عناصر اجتماعی در احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول مطلوب می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای "وضعیت شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مولفه فرهنگی نشان می‌دهد که، نقش هر یک از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مولفه فرهنگی جز شاخص نمادها و نشانه‌ها در احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول مطلوب می‌باشد.

در نهایت نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای محاسبه شده از "وضعیت اولویت‌بندی تاثیرگذاری هر یک از شاخص‌های مولفه کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول" اولویت‌بندی تاثیرگذاری هر یک از شاخص‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بافت تاریخی در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول مطلوب می‌باشد. و به ترتیب مربوط به مولفه‌های اجتماعی، کالبدی و فرهنگی اختصاص یافته است.

نتیجه‌گیری

احیا و تجدید حیات یک بنای تاریخی (خانه سنتی) که عملکرد آن با گذشت زمان و در پی بروز تغییرات در نیازهای جامعه، پیشرفت‌ها و یا در اثر تغییر هنجارهای اجتماعی، اقتصادی، و .. دستخوش دگرگونی‌های بسیار شده است، در وهله‌ی نخست نیازمند شناخت عناصری است که شاکله‌ی هویتی آن را شکل می‌دهند تا بتوان آنچنان که شایسته‌ی بناست (هم‌خوان با نیازهای روز جامعه و همگن با هویت و اصالت کهن بنا) عملیات احیا و بازسازی صورت پذیرد و روح تازه‌ای در کالبد بنا دمیده شود. در پژوهش حاضر نیز، به منظور احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی در بافت تاریخی شهر شیراز، شاخص‌ها و عناصر هویت‌ساز خانه‌ها در سه بعد کالبدی، اجتماعی، و فرهنگی مورد بازخوانی قرار گرفت تا اقدامات سامان‌دهی و باززنده‌سازی در تطابق کامل با ویژگی‌های هویت‌ساز کالبدی، اجتماعی و فرهنگی خانه‌های تاریخی و همین‌طور با توجه به نیازهای کنونی خانه‌ها صورت پذیرد به گونه‌ای که بنا را در مجموعه‌ای از شرایط نو و در بستری پرتحرک، به

کاربردهای کالبدی، فرهنگی، و اجتماعی جدید پیوند دهد. آنچه حائز اهمیت می‌باشد نقش هر یک از مولفه‌های کالبدی، فرهنگی و اجتماعی هویت‌ساز در احیا و باززنده‌سازی خانه‌های تاریخی منتخب شیراز است که طی آنالیز انجام شده بر اساس پاسخ شهروندان شیرازی مشخص گردید که نقش شاخص‌های سازمان فضایی، آسایش محیطی، روابط و چیدمان فضا، پیکره و سیما، زیبایی-شناسی، و اندازه و مقیاس در احیای کالبدی خانه‌ها در وضعیت مطلوب و نقش شاخص‌سازه نامطلوب می‌باشد. اما در مولفه اجتماعی نقش کلیه شاخص‌های خاطره‌انگیزی، انطباق با زمینه، حس تعلق به مکان، ایمنی و راحتی، همبستگی اجتماعی در احیای اجتماعی خانه‌ها مطلوب می‌باشد. در مولفه فرهنگی نیز با وجود مطلوبیت نقش شاخص‌های باورهای مذهبی و هویت فردی و اجتماعی، شاخص نمادها و نشانه‌ها در وضعیت مطلوب قرار ندارد که لازم است اقدامات لازم جهت احیا و باززنده‌سازی این دو شاخص در خانه‌های سنتی بافت تاریخی شیراز به عمل آید.

در نهایت طی تحلیل‌های صورت گرفته، راهکارهایی از سوی متخصصین در جهت احیا و باززنده‌سازی خانه‌های سنتی شیراز در ابعاد مختلف کالبدی، فرهنگی و اجتماعی، ارائه گردید که به شرح ذیل می‌باشند:

راهکارهای باززنده‌سازی از دیدگاه کاربران و متخصصین معماری		
راهکارهای باززنده‌سازی خانه‌های سنتی بر اساس شاخص‌های هویت‌ساز	شاخصهای هویت‌ساز	
	ت	ت

<p>۱- تا حدودی می‌توان در برخی از فضاها با کنترل شرایط و استفاده از معماری اقلیمی، شرایط اقلیمی و آسایش را در بناهای مذکور احیا نمود. به عنوان مثال کنترل میزان ورود نور و گرما به کمک سایه‌بان‌های حصیری، باز نمودن پنجره‌ها خصوصاً پنجره‌های رو به حیاط و حوض روبروی بنا جهت کوران هوا؛ استفاده از فضاهایی که نور کمتری دریافت می‌کنند در فصل تابستان و استفاده از فضاهای نورگیر در فصل زمستان ولی برای آسایش مطلوب نیاز به تهویه مکانیکی و سیستم‌های خنک‌کننده و گرم‌کننده مکانیکی می‌باشد.</p> <p>۲- فرم و تناسبات میان جمع و توده، فضای پر و خالی و نسبت حیاط به کل زیربنا و ارتفاعات بنا به گونه‌ای است که تا حد زیادی چنین امری در خانه‌های مذکور رعایت شده است. البته استفاده از پوشش‌های گیاهی مناسب، حوض‌های آب در فضای حیاط و فضای حوض‌خانه در درون بنا نیز به بهبود شرایط اقلیمی کمک نموده‌اند. می‌توان با کنترل میزان نور در تابستان و زمستان و همچنین کنترل میزان جریان هوا استفاده از سایه‌بان در فصل تابستان و ایجاد روزنه‌های هوا و نور به کنترل شرایط اقلیمی کمک نمود. همچنین استفاده از فضاهای سایه‌انداز در فصل تابستان و فضاهای نورگیر در فصل زمستان نیز به سکونت همراه با آسایش اقلیمی کمک می‌کند.</p> <p>۳- می‌توان با استفاده از کوران هوا و تهویه، استفاده از هوای مطبوع و رطوبت باغچه حیاط، کنترل میزان ورود نور در فصول مختلف مثلاً در تابستان حداقل استفاده از نور، در زمستان حداکثر استفاده از نور، شرایط آسایش اقلیمی را تامین نمود.</p> <p>۴- فرم پلان خانه‌ها و جهت‌گیری بنا به گونه‌ای است که نمی‌توان بدون کمک از سیستم‌های گرمایش و سرمایش و تهویه مکانیکی به شرایط آسایش اقلیمی دست یافت.</p>	<p>کالبدی</p> <p>۱- آسایش اقلیمی</p>
---	--------------------------------------

<p>۱- در خانه‌های مذکور کلیه موارد مطروحه در خصوص ابعاد و اندازه در ساختار کالبدی بنا رعایت شده‌اند و نیازی به تغییر در ساختار بنا نیست.</p> <p>۲- در خانه‌های مذکور همه مسائل مربوط ابعاد و اندازه به صورت کامل و به بهترین نحو در بنا رعایت شده‌اند.</p> <p>۳- در خود بنا، مسائل مربوط به ابعاد و اندازه رعایت شده‌اند و نیازی به دخل و تصرف نمی‌باشد.</p> <p>۴- در صورت نیاز به تغییرات می‌توان با حفظ کالبد بنا و ساختار بنا هماهنگی ایجاد نمود.</p>	<p>۱ اندازه</p>	
<p>۱- تقارن به کمک فرم‌های مناسب و تقسیم‌بندی‌های فرد رعایت شده است. شاید بتوان تعادل را در تقسیم‌بندی‌های غیرفرد نیز رعایت نمود البته با حفظ ساختار بنا.</p> <p>۲- در حین احیا می‌توان در برخی از فضاها از تقسیمات زوج در تقسیم‌بندی‌های نما استفاده نمود.</p> <p>۳- زیبایی خانه‌های مذکور به تکرار همسان الگوهای هندسی منظم و متقارن است و بدون آن‌ها خانه‌ها به گونه‌ای ناقص دیده می‌شوند.</p> <p>۴- احیای خانه‌های سنتی بدون استفاده از فرم‌های منظم امکان‌پذیر نیست زیرا روح معماری سنتی بر اساس الگو و نظم بوده و بدون استفاده از فرم‌های منظم کار دشوار است.</p> <p>۵- عنصر اصلی هویت بخشی در خانه‌های سنتی، استفاده از فرم‌های منظم می‌باشد و دخل و تصرف در آن نباید انجام گیرد و اگر هم انجام می‌گیرد بایستی کاملاً علمی و مطابق با ساختار کالبدی و هویتی بنا باشد.</p>	<p>۱ ۳ ۲ ۱ ۳ ۲ ۱</p>	

<p>۱- با ایجاد یا اضافه نمودن کاربری‌های جدید متناسب با نیازهای ساکنین و کاربران، تغییر و یا جابجایی در کاربری‌های متناسب با سبک زندگی امروزی و مدرن ایرانیان.</p> <p>۲- با حفظ وضع موجود و بدون دخل و تصرف و هماهنگ با ساختار بنا می‌توان منطقه‌بندی و عرصه‌بندی فضاهای داخلی را تا اندازه‌ای تغییر داد.</p> <p>۳- الگوی حجمی خانه‌های سنتی در حین احیای خانه‌ها بایستی بدون تغییر عمده باقی بماند، در حقیقت نیاز ضروری و کالبدی اینگونه بناها، حفظ الگوی حجمی و پلان آن‌هاست با کمترین میزان دخل و تصرف در وضع موجود.</p> <p>۴- نیازی به تغییر در الگوی حجمی و پیکره و کالبد بناها دیده نمی‌شود.</p> <p>۵- در صورت نیاز می‌توان با تغییر در کاربری‌های موجود و یا جابجایی کاربری‌ها با کاربری‌های امروزی فضا را جهت سکونت امروزی انسان احیا نمود.</p> <p>۶- در صورت نیاز به امروزی نمودن سکونت در بنا می‌توان در صورت انتخاب آگاهانه فضاها، تغییر کاربری‌ها مطابق ساختار کالبدی بنا انجام پذیرد.</p>	<p>سازمان فضایی</p>
<p>۱- تا حد بسیار زیادی سلسله‌مراتب فضاهای داخلی رعایت شده است و شاید نیازی به تغییر نباشد.</p> <p>۲- مسئله سلسله‌مراتب فضایی در خانه‌های سنتی ایرانی تا حد زیادی رعایت شده است و در صورت نیاز به تغییر باید با حفظ پیکره بنا و عدم تجاوز به ساختار کالبدی بنا به این امر دست یافت.</p> <p>۳- ایجاد تغییرات فضایی در صورت نیاز با رعایت ساختار کالبدی و هویتی بنا امکان‌پذیر می‌باشد.</p>	<p>- روابط و چیدمان فضا</p>

<p>۱- تزئینات متنوع بخش اساسی از زیبایی‌های کالبدی این خانه‌ها می‌باشد ولی می‌توان با اضافه نمودن تزئینات جدید در صورت هماهنگی با وضع موجود، زیبایی بیشتری به بنا داد.</p> <p>۲- تزئینات در خانه‌های مذکور بخشی از ساختار کالبدی بنا می‌باشند و نیازی به دخل و تصرف در آن‌ها نیست.</p> <p>۳- در بناهای مذکور کیفیت و تنوع بصری وجود دارد، در صورت نیاز به تنوع بیشتر باید به گونه‌ای باشد که ساختار اصلی بنا دچار تغییرات اساسی نگردد و مغایر با روح بنا نباشد.</p> <p>۴- در صورت نیاز به مرمت و یا تغییر در مصالح اصلی بنا، مطابق با نیازهای روز و در صورت کنترل هماهنگی بین مصالح نو و سنتی بنا.</p> <p>۵- شرط هماهنگی و سنخیت مصالح جدید با مصالح سنتی، تلفیق علمی و مطابق با اسلوب موجود در بنا می‌باشد.</p>	<p>زیبایی بافت</p>	
<p>۱- با اتخاذ تدابیر سازه‌ای مناسب و کنترل پایداری بنا می‌توان بناهای مذکور را در این زمینه احیا نمود.</p> <p>۲- با رعایت ضوابط اجرایی و اصول ایستایی و نیارش خانه‌های سنتی امکان‌پذیر می‌باشد.</p> <p>۳- با توجه به اینکه در اکثر بناهای سنتی خاصه دوره‌ی قاجاری ایران، تزئینات آسمانه مشهود است. در صورت نیاز باید تزئینات و پوشش آسمانه جدید با پوشش‌های سنتی مطابقت و همخوانی داشته باشند.</p>	<p>باز سازی (تعمیر)</p>	
<p>۱- ایمنی و امنیت اهالی خانه و کاربران به شرط بازسازی و مرمت قسمت‌های تضعیف شده بنا و از بین بردن موارد فرسودگی فراهم خواهد شد.</p> <p>۲- با رعایت تمهیدات سازه‌ای و برقی مناسب، تامین آسایش و امنیت ذهنی و روانی برای ساکنین و کاربران امکان‌پذیر است.</p>	<p>باز سازی (تعمیر)</p>	<p>اجتماعی</p>

<p>۱- برخی از فضاها از جمله گودال باغچه بنا، ایوان‌های ستوندار، تالارهای پنجره-دار رو به حیاط و خود فضای حیاط، قابلیت ایجاد فضای تعامل و گپ و گفت و خاطره‌انگیزی برای کاربران و ساکنان را دارد.</p> <p>۲- این موضوع تا حد بسیار زیادی به خودی خود رعایت شده است. استفاده از ایوان‌های ستوندار، استفاده از فضای سبز و حیاط اقلیمی مناسب می‌تواند در جهت ایجاد چنین فضاهایی مورد استفاده قرار گیرد.</p> <p>۳- برخی از فضاهای خانه از جمله تالارها، فضای حیاط و باغچه‌های بنا قابلیت استفاده برای گفتگو و تعامل میان ساکنین و کاربران بنا را دارد.</p>	<p>۱- ناظره‌انگیزی</p>	
<p>۱- در قسمت پیش خان و هشتی و دالان خانه می‌توان فضایی جهت گپ و گفت مردم با اهالی خانه تامین نمود.</p> <p>۲- از فضای خارجی بنا نمی‌شود ولی در حیاط خانه و در پشت در ورودی می‌توان فضایی جهت تعاملات با مردم ایجاد نمود.</p>	<p>۱- همبستگی اجتماعی</p>	
<p>۱- به شرط شناسایی آگاهانه و علمی فاکتورهای لازم و انتخاب صحیح و استفاده-ی بجا.</p>	<p>۱- انطباق با</p>	
<p>۱- به نظر می‌رسد با احیای این خانه‌ها و به روزرسانی آن‌ها متناسب با نیازهای امروز ساکنان می‌توان حس تعلق را تقویت نمود.</p> <p>۲- با ایجاد فضاهای کاربردی جهت زندگی امروزی و تامین امنیت ذهنی و جسمی ساکنان و کاربران بنا می‌توان حس تعلق را افزایش داد.</p>	<p>۱- حس تعلق به مکان</p>	
<p>۱- استفاده از بادگیر جهت ایجاد سرمایش نیازی نیست.</p> <p>۲- با توجه به اقلیم فعلی شیراز، بادگیر نیازی نیست اما می‌توان از بقیه فاکتورهای اقلیمی حداکثر بهره را در ساختمان برد.</p> <p>۳- عنصر اقلیمی شاخصی در بناها وجود ندارد به جز حیاط، باغچه و حوض.</p>	<p>نمادها و نشانه‌ها</p>	<p>فرهنگی</p>

<p>۱- تا حد زیادی در تزئینات بنا رعایت شده است و می‌توان به آن‌ها افزود. ۲- با الگوبرداری از تزئینات بنا و مطابق با اصول فرهنگی و اجتماعی در خانه‌های سنتی می‌توان باورها و اعتقادات مذهبی را به نمایش گذاشت.</p>	<p>بند و اعتقادات رز</p>	
<p>۱- بخش‌هایی از خانه که کاربر همیشگی ندارند مانند حیاط باغ، استفاده از ایوان‌های ستوندار، استفاده از هشتی، استفاده از فضاهای زیرزمینی خانه جهت خلوت جویی افراد و اهالی خانه ۲- برخی از فضاهای خانه از جمله اتاق‌ها، حیاط خلوت پشت بنا قابلیت استفاده برای خلوت‌گزینی ساکنین و کاربران بنا را دارا می‌باشد.</p>	<p>پ و ر و ا و ا و ر و ا و ر</p>	

فهرست منابع فارسی

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی، ملکی، گل‌آفرین (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر سامان‌دهی و مداخله در بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر خرم آباد)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، صص ۲۱۷-۲۳۴.
۲. ابراهیمی‌یوسفی، رویا، بلوغی، مهرناز (۱۳۸۹)، «بررسی الگوهای فضایی خانه در معماری سنتی ایران و مقایسه آن با معماری معاصر»، همایش منطقه‌ای خانه ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد کاووس.
۳. ابلقی، علیرضا (۱۳۸۰)، «بافت تاریخی، حفاظت، مرمت، بهسازی و نوسازی»، فصلنامه شهر، سال دوم، شماره چهارم.
۴. ابلقی، علیرضا (۱۳۸۲)، «جایگاه مرمت ابنیه در فرآیند مرمت شهری و تجارب سازمان عمران و بهسازی شهری در این زمینه»، مجله هفت شهر، سال چهارم، شماره دوازدهم و سیزدهم، صص ۸۳-۷۸.
۵. ابلقی، علیرضا (۱۳۸۵)، «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری: چالش‌ها و رهیافت‌ها»، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۵۱-۱۵۴.
۶. آتشین‌یار، محمد (۱۳۸۸)، «تداوم هویت در منظر شهری»، مجله باغ‌نظر، شماره دوازدهم، سال ششم، صص ۴۵-۵۶.

۷. اردلان، نادر (۱۳۸۶)، «خط مشی برای نوسازی شهرهای سنتی ایران»، مجموعه مقالات اولین سمینار وجود و آینده مراکز مسکونی تاریخی، چاپ دوم فضا، تهران، صص ۲۵۱-۲۵۲.
۸. پدرام، بهنام، حریری، آزاده (۱۳۹۵)، «خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره یازدهم، سال چهارم، صص ۷۴-۸۹.
۹. پرتویی، پروین (۱۳۸۷)، «پدیدارشناسی مکان»، انتشارات فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۰. پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، «مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۴۰-۵۰.
۱۱. پوردیهمی، شهرام، مشایخ‌فریدنی، سعید، نورتقانی، عبدالمجید (۱۳۹۲)، «هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط»، نشریه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱، صص ۳-۱۸.
۱۲. پورمند، حسن‌علی، ریخته‌گران، محمدرضا (۱۳۸۵)، «حقیقت مکان و فضای معماری»، هنر اسلامی، شماره چهارم، تهران.
۱۳. حبیبی، سیدمحسن، مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱)، «مرمت شهری»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۴. حبیبی، سیدمحسن، مقصودی، ملیحه (۱۳۸۴)، «مرمت شهری: تعریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری»، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۵. حبیبی، کیومرث، پوراحمد، احمد، مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، «بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه کردستان.
۱۶. حبیبی، رعناسادات (۱۳۸۷)، «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۰.
۱۷. حجت، عیسی (۱۳۸۴)، «هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تاملی در رابطه هویت و معماری)»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۵۵-۶۲.
۱۸. شولتز، کریستیان نوربرگ (۱۳۸۵)، «معماری: حضور، زبان و مکان»، ترجمه علیرضا سید احمدیان، انتشارات نیلوفر، تهران.

۱۹. صادق‌زاده، نیما، عیدیوندی، میلاد (۱۳۹۴)، «بررسی الگوهای فضایی در خانه‌های سنتی ایران با هدف بازشناسی هویت جمعی»، همایش ملی معماری و شهرسازی هویت‌گرا، به صورت الکترونیکی، موسسه بین‌المللی معماری، شهرسازی مهراز شهر.
۲۰. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۷)، «هویت»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، پژوهشنامه شماره ۱۹، تهران.
۲۱. صبری، سهیل، مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۵)، «جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، چاپ اول، تهران.
۲۲. زرغامی، اسماعیل، سادات، سیده اشرف (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های مسکن ایرانی - اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، شماره ۲-۶، صص ۶۰-۷۲.
۲۳. ضیاشهبابی، نوشین، آذرنوش، منا (۱۳۹۲)، «جایگاه طراحی داخلی در باززنده‌سازی بناهای تاریخی»، تهران.
۲۴. کیانی، علی‌اکبر، سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۸۸)، «بررسی هویت‌بخشی شهر فیروزآباد در بهسازی و نوسازی بافت تاریخی شهر گور با استفاده از تکنیک SWOT»، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۶، صص ۱۲۰-۱۳۸.
۲۵. گلکار، کوروش (۱۳۸۰)، «مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی - پژوهشی صفا، شماره ۳۳.
۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، «نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی»، نشر نی، تهران.
۲۸. لینچ، کوین (۱۳۷۶)، «تئوری شکل خوب شهر»، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۹. ناصری، سارا (۱۳۹۴)، «کاربست تکنولوژی و بحران هویت در معماری معاصر ایران در عصر جهانی شدن و ارائه راهکارهای برون‌رفت از وضع موجود»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۱، صص ۳۵۹-۳۸۰.
۳۰. نصر، طاهره (۱۳۹۶)، «جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مولفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی»، نشریه هویت شهر، شماره ۲۹، سال ۱۱، صص ۱۷-۲۸.

۳۱. نصر، طاهره (۱۳۹۴)، «جایگاه پارادایم «معماری مسکن» در سیمای امروز شهر ایرانی اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره بیست و دوم، صص ۶۷-۷۸.
۳۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، «تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۷۶-۶۲.
۳۳. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۷)، «شهر و معماری اسلامی (عینیات و تجلیات)»، انتشارات نی، اصفهان.
۳۴. نوفل، سیدرضا، پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۳)، «بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری»، نشریه آرمان‌شهر، شماره ۳

فهرست منابع غیرفارسی

35. Agrawal, Vedika, (2013), "Regionalism in architecture as an expression of appropriate technology and sustainably", Term paper for History of Architecture.
36. Alberta Community Development's Guidelines, (2008), "Definitions for the Rehabilitation of Designated Historic Resources, A Heritage Conversation Strategy for Cliff Bungalow – Mission Guidelines for Urban Regeneration in the Mediterranean region", P. 8.
37. Bruchhardt, Titus, (2009), "Foundations of Oriental Art & amp; Symbolism- World Wisdom", Published by Ionut-Gabriel Funingana.
38. Buttimer, Anne, Seamon, David (1980), "The Human Experience of Space and Place", Oxford, London.
39. Carmon, Naomi. (1999), "Three generations of urban renewal polices, Faculty of Architecture and Town planning. Techion, Israel, vol. 30.
40. Carmona, Mathew, (2001), "Implementation Urban Renaissance, Problems Possibilities and Plans in South England", Journal of progress in Planning, No 4 (56), pp. 169- 250.
41. Carmona, Mathew, (2006), "Public Places, Urban Spaces", Architectural Press, Elsevier, Oxford.
42. Cevik, S., et al, (2008), "An Example to Renovation – Revitalization Works in Historical City Centers: Kunduracilar Street/ Trabzon – Turkey, Building and Environment", No 43, pp. 950- 962.
43. Cooper Marcus, C., & Sarkissian, W., 1986, "Housing as if people mattered: site design guidelines for medium-density family housing", Berkeley, University of California Press.

44. Ennaji, M, (2005), "Multilingualism, Cultural Identity, and Education in Morocco", Springer Science & Business Media, pp.19-23.
45. Gai Eaton, (2006), "The Earth's Complaint", edited by Seyyed Hossein Nasr & Katherine O'Brien; the essential Sophia; World Wisdom, Inc, from www.worldwisdom.com.
46. Habermas, Jurgen, (1991), "The Philosophical Discourse of Modernity", Trans by Frederick Lawrence, Cambridge: Polity Press, No 200.
47. Habibi, Seyyed Mohsen, (2006), "Description of Stream of Thought in Contemporary Iranian Architecture and Urbanism", Cultural Research Center, Tehran.
48. Hoon Hwang, Jea (1994), "The reciprocity between architectural typology and urban morphology", university of Pennsylvania.
49. Hull City Plan, (2000), "Transportation and Planning Division Regeneration and Development Directorate".
50. Moore, C. W., Allen, G. & Lyndon, D., 1974, "The place of houses", New York, Holt.
51. Movahed, Ali, Shamaei, Ali, Zanganeh, Abolfazl, (2012), "Recognition of Physical Identity in Islamic Cities (Case Study: Rey city)", Journal of Regional Planning, No 5, pp 51- 37.
52. Nasr, Seyyed Hossein, (1987), "Islamic Art and Spirituality", United States, Sunny Press.
53. Norberg Schulz, Christian, (1980), Genius loci: "towards a phenomenology of architecture", New York, Rizzoli.
54. Oxford English Dictionary, 11th Edition Revised (2008), Edited by Catherine Soanes & Angus Stevenson, Oxford University Press Inc., New York.
55. Pallasmaa, Juhani, (1992), "Identity, Intimacy and Domicile: Notes on phenomenology of home, the concept of home".
56. Proshansky, H, (1978), "The city and self-Identity, Environment and Behavior", vol. 10.
57. Steele, Fritz, (1981), "The Sense of Place", CBI Publishing Company, Boston.
58. Taherkhani, HabibAllah, Motavasseli, MohammadMahdi, (2006), "Managing Historical Texture of Iran Cities (challenges and Instructions)", Journal of Urban Management, No 18, pp. 96- 107.

59. Tavassoli, Mahmood, (1997), "Urban Design in Central Part of Tehran", Architecture and Urbanism Research Center.
60. Tisdell, Steven, (1996), "Revitalizing Historic Urban", Quarters Architectural Press.
61. Tuan, Yi-Fu (1977), Space and Place: the Perspective of Experience, Univesity of Minnesota Press, Minneapolis.
62. Turner, P., Turner, S, (2006), "Place, Sense of Place, and Presence", Teleoperators and Virtual Environments, 15 (2), pp. 204-217.